

نقش واسطه‌ای فراشناخت اخلاقی در رابطه بین شخصیت و رفتارهای اخلاقی

سمیه حسن نیا، دکتر راضیه شیخ الاسلامی*، دکتر فریده یوسفی، دکتر فرهاد خرمایی
بخش روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز
(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۹)

چکیده

زمینه: اخلاق و بروز رفتارهای اخلاقی، از جنبه‌های مهم سلامت فرد و جامعه است. بنابراین شناخت عوامل موثر بر بروز رفتارهای اخلاقی می‌تواند گامی در جهت افزایش رفتارهای اخلاقی و کاهش رفتارهای غیر اخلاقی باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه علی ابعاد شخصیت با رفتارهای اخلاقی از طریق واسطه‌گری فراشناخت اخلاقی انجام شد.

روش: روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی-همبستگی است که به این منظور، ۵۲۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاههای یاسوج با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه شامل پرسشنامه پنج عامل شخصیت، مقیاس فراشناخت اخلاقی و سیاهه رفتار اخلاقی، استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که، روان‌رنجوری و وظیفه‌گرایی و گشودگی به تجربه پیش‌بینی‌کننده معنادار فراشناخت اخلاقی و برون‌گرایی، توافق‌پذیری، روان‌رنجوری و وظیفه‌گرایی پیش‌بینی‌کننده معنادار رفتار اخلاقی بودند. مسیرهای غیرمستقیم از سه بعد شخصیت شامل گشودگی به تجربه، روان‌رنجوری و وظیفه‌گرایی به رفتارهای اخلاقی به واسطه فراشناخت اخلاقی، معنادار بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد شخصیت با تأثیر بر فراشناخت اخلاقی می‌توانند منجر به بروز رفتارهای اخلاقی شوند.

کلیدواژه‌گان: رفتارهای اخلاقی، شخصیت، فراشناخت اخلاقی

سرآغاز

اخلاق، به لحاظ فردی و اجتماعی موضوع مهم و قابل توجهی است. درونی‌سازی مجموعه‌ای از اخلاقیات، برای دستیابی به خودرهبی^۱، احساس تداوم^۲ و هدفمندی در زندگی، لازم و ضروری است (۱). علیرغم اهمیت اخلاق و تأکیدی که در مورد آن صورت می‌گیرد، جهان امروزه شاهد آن است که پیشرفت تکنولوژی و تغییر و توسعه ساختارهای محیطی، پویایی و پیچیدگی مضاعفی را ایجاد نموده که منجر به چالش‌های اخلاقی متعددی گردیده و معضلات اخلاقی^۳ قابل توجهی را سبب شده است (۲-۳). از این رو، لازم است به دنبال شناسایی و بهبود ظرفیت‌هایی بود تا به افراد در مواجهه و پاسخگویی به چالشهای اخلاقی و نیز اخلاقی رفتار کردن، کمک نماید (۳).

معضلات اخلاقی، نیازمند ظرفیتی هستند که اطلاعات مورد استفاده در قضاوت اخلاقی را مورد کنترل و نظارت قرار دهد، دقت اطلاعات را ارزیابی کند، تأثیر هیجانات و ارزش‌ها را در قضاوت و همچنین همه جنبه‌های ممکن از یک معضل اخلاقی را در نظر بگیرد (۵-۷). این ظرفیت، تحت عنوان فراشناخت اخلاقی^۴ نامیده می‌شود. فراشناخت اخلاقی، تفاوت در توانایی افراد برای استفاده از دانش غنی اخلاقی، به منظور افزایش شناخت اخلاقی را توضیح می‌دهد (۸). در واقع، فراتر از مفهوم‌سازی عمومی کلبرگ، سطح بالاتر دانش اخلاقی، شبیه یک سوخت است که باید یک موتور، آن را پردازش نماید. این موتور، فراشناخت اخلاقی است که دانش اخلاقی پیچیده را پردازش می‌کند (۹ و ۱۰).

همسو با دیدگاه‌های متفاوتی که در خصوص فراشناخت به معنای عمومی وجود دارد، رویکردهای متفاوتی نیز به فراشناخت اخلاقی پرداخته‌اند. یک دیدگاه، فراشناخت اخلاقی را شامل شخص^۵، تکلیف^۶ و راهبرد^۷ در موقعیت‌های اخلاقی می‌داند (۱۱ و ۱۲). دیدگاه دیگر، فراشناخت اخلاقی را در دو طبقه دانش فراشناختی^۸ شامل دانش بیانی^۹، دانش رویه‌ای^{۱۰} و دانش شرطی^{۱۱} و نیز تنظیم فراشناخت^{۱۲} معرفی می‌کند (۱۳ و ۱۴). دیدگاه آخر، در یک نگاه متفاوت‌تر فراشناخت اخلاقی را شامل فرایندهایی مانند هسته کنترل اخلاقی^{۱۳}، خودهدایتی اخلاقی^{۱۴} و خودتأملی اخلاقی^{۱۵} می‌داند (۸). متناسب با این دیدگاه، هسته کنترل اخلاقی عبارت است از برخورداری از حس درونی از اخلاق که شامل در نظر گرفتن مسئولیت برای رفتار خود و رفتار دیگران است. خودهدایتی اخلاقی ظرفیتی است که یک قدم به عقب برمی‌گردد و بر فرایندهای خود شخص (شهود و استدلال) و رخ دادن اقدامات، نظارت می‌کند و خودتأملی اخلاقی ظرفیتی شبیه پندار یا تخیل اخلاقی است و یک دید انتقادی مهم در انگیزه‌های شخصی را ایجاد و حفظ می‌کند (۸ و ۱۴). هنگامی که شخص دانش اطلاعاتی غلط و همچنین روش، قانون و عادت غلط را در هر شرایطی و با کمترین تعهد، تأمل و مسئولیت به کار می‌گیرد، فراشناخت اخلاقی ناقص، اتفاق می‌افتد (۸). نتیجه این امر، ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی و گاه زیر پا نهادن اخلاق است. بنابراین، اهمیت فراشناخت اخلاقی زمانی بارزتر می‌شود که نقش آن در شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی جلوه می‌کند (۱، ۲، ۳، ۸، ۱۱). از این رو، می‌توان پیامد اصلی فراشناخت اخلاقی را، رفتارهای اخلاقی دانست. رفتار اخلاقی مجموعه‌ای از رفتارهای مورد پذیرش جامعه است، که می‌تواند درونی باشد مانند اعمال دینی، بیرونی باشد مانند صداقت، و همچنین مربوط به دیگران باشد مانند مراقبت (۱۵). اما این تعریف مورد وفاق همه پژوهشگران نیست. سایر پژوهشگران، رفتار اخلاقی را معادل رفتار جامعه‌پسند یا اطاعت و فرمانبرداری از مراجع قدرت، و یا احترام به دیگران با زمینه‌های نژادی و فرهنگی متفاوت، می‌دانند (۱۶-۱۷). افرادی که از فراشناخت اخلاقی برخوردارند، در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، با احتمال بیشتری، رفتار اخلاقی را انتخاب می‌کنند. دلیل این امر، علاوه بر تأثیر دانش فراشناخت و تنظیم شناختی در مواقع تصمیم‌گیری، برخورداری از یک عامل انگیزه بخش برای رفتار اخلاقی به نام، عاملیت اخلاقی^{۱۶} نیز می‌باشد (۲۰ و ۲۱). عاملیت اخلاقی، مجموعه‌ای از مکانیزم‌های خودتنظیمی است که به فرد کمک می‌کند تا با مجهز شدن به آنها، نسبت به انجام رفتار اخلاقی، برانگیخته گردد (۱). این مکانیزم‌ها که عبارتند از: عمدی بودن^{۱۷}، پیش‌اندیشی^{۱۸}، خودآکنشی^{۱۹} و خودتأملی، ناظر بر فراشناخت اخلاقی است. با توجه به این مکانیزم‌ها، منطقی است که مجهز بودن به فراشناخت اخلاقی، رفتارهای اخلاقی را به دنبال داشته باشد. علاوه بر تأکیدات نظری قوی که در این رابطه وجود دارد، پژوهش‌های متعددی نیز وجود این رابطه را در پژوهش‌های خود تأیید کرده‌اند (۱۱، ۱۸، ۱۹).

با توجه به تأثیر مهمی که فراشناخت اخلاقی بر شکل‌گیری و بروز رفتارهای اخلاقی دارد و نیز نقش مهم آن در سلامت اخلاقی افراد،

شناخت عوامل ایجاد کننده و اثرگذار بر این سازه می‌تواند حائز اهمیت باشد. یکی از عوامل اثرگذار بر فراشناخت، شخصیت است (۲۰). ویژگی‌های پایداری مانند شخصیت می‌توانند فرایندهای عاطفی مانند همدلی و فرایندهای شناختی مانند فراشناخت را تحت تأثیر خود قرار دهند (۲۰). علاوه بر این، برخی محققان معتقدند که ویژگی‌های شخصیت می‌توانند ویژگی‌های تفکر فراشناختی مانند تأملی بودن، کنجکاوی ذهنی، روشنفکری و پردازش عمیق را پیش‌بینی نمایند (۲۱-۲۳).

شخصیت به الگوهای نسبتاً پایدار افکار، احساسات و رفتار، اطلاق می‌شود (۲۴). نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت، پنج بعد اساسی را برای شخصیت معرفی می‌کند که هر بعد دربرگیرنده تعداد خاصی از صفات است و مجموع آن صفات یک عامل شخصیتی را شکل می‌دهد. این عوامل عبارتند از: برون‌گرایی^{۲۰} که به تمایل فرد برای جرأت‌ورزی، پرانرژی و صمیمی بودن، گسترش شبکه‌های اجتماعی و دوستیابی‌های بی‌دری اطلاق می‌شود (۲۵-۲۷). خوشایندی یا توافق‌پذیری^{۲۱} که منعکس کننده تفاوت‌های فردی در زمینه میل به نوع‌دوستی، اعتماد به دیگران و فروتنی، مهربانی و انعطاف‌پذیری و سازش است (۲۸-۳۰). روان‌رنجوری^{۲۲} که از صفاتی مانند افسردگی، اضطراب، خودخواهی، احساس گناه و بی‌ثباتی هیجانی تشکیل شده است (۳۱-۳۳). گشودگی به تجربه^{۲۳}، به تفاوت‌های فردی در گرایش به ابتکار، خلاقیت، پیچیدگی فکر، شناخت دقیق و آمادگی پذیرش عقاید دیگران، اطلاق می‌شود (۳۴ و ۳۵). وظیفه‌گرایی^{۲۴} میزان وظیفه‌شناسی، احساس مسئولیت، هدفمندی، برنامه‌مداری، نظم و همچنین نیاز به پیشرفت را نشان می‌دهد (۲۹ و ۳۶). پژوهش‌های متعددی ارتباط بین شخصیت و فراشناخت در معنای عمومی را، مورد بررسی قرار داده‌اند (۲۱، ۳۷، ۳۸ و ۳۹). بنابراین متناسب با یافته‌های پژوهشی، می‌توان احتمال داد که شخصیت یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های فراشناخت اخلاقی باشد.

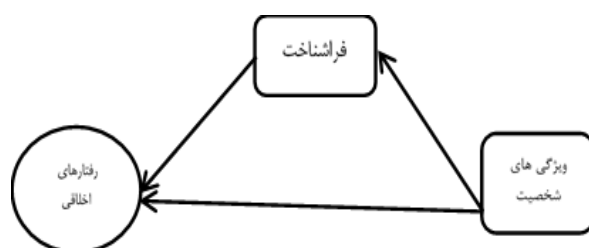
با رویداشت به پژوهش‌های انجام‌شده و نیز تأکیدات نظری در زمینه متغیرهای پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که رابطه بین شخصیت، فراشناخت اخلاقی و رفتار اخلاقی، یک رابطه موازی نباشد و شخصیت در عین ارتباط با فراشناخت اخلاقی، با رفتارهای اخلاقی نیز مرتبط باشد. علاوه بر اینکه پژوهش‌های متعددی نشانگر ارتباط بین شخصیت و رفتار اخلاقی هستند (۴۰-۴۳). صاحب‌نظران نیز معتقدند که صفات شخصیت در طول زمان مقاوم به تغییر بوده و قادر است تا رفتارها را در موقعیت‌های گوناگون پیش‌بینی نماید (۲۹). در همین راستا، در یک مدل مفهومی نیز، شخصیت یکی از عوامل پیش بین برای رفتارهای اخلاقی معرفی شده است (۴۴). بنابراین شخصیت به لحاظ پژوهشی و نظری می‌تواند رفتار اخلاقی را در موقعیت‌های اخلاقی پیش‌بینی نماید.

تا کنون مدل‌های متعددی روند شکل‌گیری رفتار اخلاقی را توضیح داده‌اند. اما این پژوهش، از یک سو، با تکیه بر نظریه شناختی اجتماعی و با استناد به مفهوم عاملیت اخلاقی و نیز متناسب با مدل‌های مفهومی، در یک مدل یکپارچه، روابط بین متغیرها را تبیین می‌نماید (۱، ۲۰، ۴۴).

دادند که شاخص های کفایت نمونه‌گیری (KMO) و آزمون کرویت بارلت را به ترتیب $0/79$ و $3/532$ ($P < 0/0001$) به‌دست آوردند و دریافتند که پنج عامل در مجموع $60/38$ درصد واریانس کل نمونه را توضیح داده است (۴۶). ضرایب آلفا را برای روان رنجوری و توافق پذیری $0/83$ ، وظیفه‌گرایی $0/81$ و برای عوامل برونگرایی و گشودگی به تجربه به ترتیب $0/72$ و $0/69$ به دست آورده‌اند (۴۶). در این پژوهش، جهت احراز روایی، تحلیل عاملی با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بر ۲۱ گویه‌ی پرسشنامه انجام شد. ابتدا آزمون‌های مقدماتی جهت ارزیابی مناسب بودن نمونه برای تحلیل عامل، شامل کفایت نمونه‌گیری (KMO) و آزمون کرویت بارلت اجراگردید. این ضرایب به ترتیب $0/71$ و $2070/68$ ($P < 0/0001$) به‌دست آمد، که بیانگر مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل است. نتایج تحلیل عامل، پنج عامل را با ارزش ویژه بالای یک نشان داد. همچنین برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که این ضریب برای پنج ویژگی شخصیت شامل روان رنجوری، توافق‌پذیری، وظیفه‌گرایی، برونگرایی و گشودگی به تجربه به ترتیب، $0/66$ ، $0/68$ ، $0/58$ ، $0/75$ و $0/71$ به‌دست آمد.

دومین ابزار مورد استفاده، مقیاس فراشناخت اخلاقی^{۲۶} بود (۲). این مقیاس شامل ۲۰ گویه است و چهار مولفه تنظیم فراشناختی، دانش شناختی بیانی، دانش شناختی رویه‌ای و دانش شناختی شرطی را شامل می‌شود. پاسخ‌دهی به مقیاس، در طیف لیکرت از (۱-۵) صورت می‌گیرد. سازندگان مقیاس، در پژوهش خود برای بررسی روایی این مقیاس، تحلیل عامل تأییدی از طریق نرم افزار AMOS انجام دادند و بارهای عاملی هر چهار عامل معنادار بودند. شاخص های نیکویی برازش مدل شامل نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی ($2/df \chi$)، شاخص‌های (CFI)، و (RMSEA) برای الگو، به ترتیب $2/01$ ، $0/88$ ، $0/79$ به دست آمد (۲). همچنین آنها ضرایب آلفای کرونباخ تنظیم شناختی و دانش شناختی بیانی را $0/81$ ، دانش شناختی رویه‌ای و دانش شناختی شرطی را $0/82$ گزارش کردند (۲). با توجه به آنکه این ابزار هنوز در فرهنگ ایرانی مورد استفاده قرار نگرفته است، برای استفاده در این پژوهش ابتدا به فارسی ترجمه شد و سپس به یک کارشناس زبان انگلیسی داده شد تا با برگرداندن نسخه ترجمه شده به زبان انگلیسی، ترجمه آن را با نسخه اصلی پرسشنامه، تطبیق دهد. همچنین برای احراز روایی مقیاس، تحلیل عامل تأییدی از طریق نرم افزار AMOS بکار گرفته شد. بارهای عاملی برای هر چهار عامل معنادار بودند و شاخص های نیکویی برازش مدل شامل نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی ($2/df \chi$)، شاخص‌های (CFI)، و (RMSEA) برای الگو، به ترتیب $2/69$ ، $0/92$ و $0/05$ به‌دست آمد. جهت تعیین پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی برای کل مقیاس و نیز چهار عامل تنظیم شناختی، دانش شناختی بیانی، دانش شناختی رویه‌ای و دانش شناختی شرطی به ترتیب $0/90$ ، $0/75$ ، $0/79$ و $0/68$ به‌دست آمد.

از سوی دیگر، از آنجا که هیچ پژوهشی تا کنون متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش را به صورت یک‌جا و طی یک مدل به آزمون تجربی در نیاورده است، خلاء پژوهشی و نیز ضرورت انجام این پژوهش بارز می‌گردد. علاوه بر این، با توجه به اینکه شیوع رفتارهای غیر اخلاقی در جامعه و رغبت افراد به انجام عمل غیر اخلاقی، و نیز ناتوانی در تصمیم‌گیری های اخلاقی، فقدان فراشناخت اخلاقی را نشان می‌دهد (۲). بنابراین، هدف از این پژوهش، معرفی و بررسی تجربی فراشناخت اخلاقی و عوامل اثرگذار (شخصیت) و اثرپذیر (رفتارهای اخلاقی) از آن هست که می‌تواند هم در نظام آموزشی کشور و هم در جامعه، برای جلوگیری از رفتارهای غیر اخلاقی موثر باشد. نگاره ۱ مدل مورد بررسی در پژوهش را نشان می‌دهد.



نگاره ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های شهر یاسوج است که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند. جهت برآورد حجم، تعداد گویه‌های پرسشنامه‌ها در $2/5$ الی ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر نمونه تعیین گردد (۴۵). بنابراین تعداد ۵۶۰ نفر (۳۲۷ دانشجوی دختر و ۲۳۳ دانشجوی پسر) با استفاده از روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، به این ترتیب که ابتدا از بین دانشگاه‌های شهر یاسوج ۳ دانشگاه (دولتی، آزاد و فرهنگیان) به صورت تصادفی انتخاب شد، آنگاه از هر دانشگاه به تصادف سه کلاس مقطع کارشناسی بدون توجه به رشته تحصیلی انتخاب گردید. بعد از جمع آوری پرسش نامه‌ها و حذف نمودن داده‌های پرت تعداد ۵۲۴ پرسش نامه (۳۰۱ دانشجوی دختر و ۲۲۳ دانشجوی پسر) مبنای تحقیق قرار گرفت.

گردآوری داده‌ها از طریق سه پرسش نامه معتبر انجام گردید. در این پژوهش برای ارزیابی شخصیت از فرم کوتاه پرسش نامه پنج عامل بزرگ شخصیت^{۲۵} استفاده شد (۴۶). این پرسش نامه شامل ۲۱ گویه است و پنج ویژگی شخصیت، شامل روان رنجوری، توافق‌پذیری، وظیفه‌گرایی، برونگرایی و گشودگی به تجربه را اندازه‌گیری می‌کند. به منظور پاسخ به این پرسش نامه، آزمودنی پس از مطالعه هر گویه، صحت آن را در مورد خود بر اساس طیف لیکرت از (۱-۵)، تعیین می‌کند. پژوهشگران، جهت تعیین روایی، تحلیل عاملی با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بر ۲۱ گویه‌ی پرسشنامه انجام

تواضع ۰/۷۰، پرخاشگری ۰/۶۵ و تقلب ۰/۶۰ بدست آمد. در نهایت جهت تحلیل داده ها و بررسی فرضیه ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، استفاده گردید.

یافته ها

قبل از تحلیل داده‌ها و برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیر بنایی مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، چند مفروضه اصلی معادلات ساختاری شامل داده‌های گمشده، نرمال بودن و هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر از روش جایگزینی داده‌های گمشده با میانگین استفاده شد و جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده گردید و به این ترتیب متغیرهای پژوهش همگی دارای قدرمطلق ضریب کجی کوچکتر از ۳ و قدرمطلق ضریب کشیدگی کوچکتر از ۱۰ بودند و لذا تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نبود. هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین (ابعاد شخصیت) با استفاده از آماره تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش‌های تحمل بدست آمده برای متغیرها، بالای ۰/۱۰ هستند و نشان دهنده عدم وجود هم‌خطی چندگانه متغیرها است و همچنین مقدار عامل تورم واریانس بدست آمده برای متغیرها کوچکتر از ۱۰ بودند که نشان دهنده عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرها است. در ادامه نتایج در دو بخش توصیفی و آزمون مدل گزارش می‌گردد.

سومین ابزار مورد استفاده، سیاهه رفتارهای اخلاقی بود (۴۷). این سیاهه دارای ۳۲ گویه است و هشت بعد اخلاقی، شامل، احترام به تفاوت‌ها، ملاحظه، رفتار مسئولانه، رفتار کمکی، تواضع، پرخاشگری، تقلب و رفتارهای مراقبتی را می‌سنجد. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از (۱-۵) صورت می‌گیرد. همه گویه‌ها به جز گویه‌های ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برای احراز روایی این سیاهه، از تحلیل عامل تأییدی با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده نموده‌اند که بارهای عاملی برای ۸ عامل معنادار بود و شاخص‌های نیکویی برازش مدل شامل نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی (χ^2/df)، شاخص‌های (GFI)، و (RMSEA) برای الگو، به ترتیب ۲/۱۱، ۰/۹۰، و ۰/۰۴ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل‌های سیاهه رفتار اخلاقی را نیز بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۱ و برای کل سیاهه ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند (۵۶). در پژوهش حاضر برای بررسی روایی این ابزار، تحلیل عامل تأییدی از طریق نرم افزار AMOS بکار گرفته شد. بارهای عاملی برای پنج عامل معنادار بودند و عامل رفتارهای مراقبتی، رفتارهای کمکی و رفتارهای مسئولانه به جهت پائین بودن بارهای عاملی گویه‌ها، حذف گردید. شاخص‌های نیکویی برازش مدل نیز شامل نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی χ^2/df ، شاخص‌های (CFI) و (RMSEA) برای الگو، به ترتیب ۲/۱۱، ۰/۹۲، و ۰/۰۴ به دست آمد. همچنین، در این پژوهش برای بررسی پایایی سیاهه رفتارهای اخلاقی از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب آلفا کرونباخ برای نمره کل سیاهه رفتارهای اخلاقی ۰/۸۷ و برای پنج بعد اخلاقی شامل احترام به تفاوت‌ها ۰/۷۳، ملاحظه ۰/۶۷،

جدول ۱. ضریب همبستگی پیرسون و میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

نحرف استاندارد	میانگین	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۲/۴۹	۱۴/۰۲												-	گشودگی به تجربه
۲/۰۸	۱۱/۲۹											-	۰/۳۳۰۰	وظیفه‌گرایی
۲/۳۰	۱۳/۲۴										-	-۰/۳۰۰۰	-۰/۱۵۰۰	روان‌رنجوری
۲/۳۰	۱۳/۰۴									-	-۰/۳۳۰۰	۰/۴۲۰۰	۰/۲۸۰۰	برون‌گرایی
۲/۱۱	۱۳/۵۲								-	۰/۴۷۰۰	-۰/۰۷	۰/۴۵۰۰	۰/۳۴۰۰	توافق‌پذیری
۴/۷	۲۵/۶۹							-	-۰/۱۶۰۰	-۰/۱۱۰۰	-۰/۲۱	۰/۳۸۰۰	-۰/۵۰۰۰	فراشناخت اخلاقی
۲/۷۴	۱۶/۲۴						-	۰/۳۲۰۰	۰/۲۵۰۰	-۰/۱۷۰۰	-۰/۲۱	۰/۳۱۰۰	۰/۲۲۰۰	احترام به تفاوت‌ها
۲/۶۰	۱۵/۶۷					-	۰/۵۲۰۰	۰/۳۲۰۰	۰/۲۴۰۰	-۰/۱۳۰۰	-۰/۱۵	۰/۳۱۰۰	۰/۲۳۰۰	ملاحظه
۲/۸۳	۱۴/۹۳				-	۰/۴۶۰۰	۰/۵۷۰۰	۰/۳۳۰۰	۰/۲۰۰۰	-۰/۱۴۰۰	-۰/۲۳۰۰	۰/۴۳۰۰	۰/۲۰۰۰	رفتار مسئولانه
۲/۴۷	۱۶/۵۵		-	-	۰/۶۲۰۰	۰/۵۴۰۰	۰/۶۶۰۰	۰/۲۵۰۰	-۰/۱۴۰۰	۰/۱۸۰۰	-۰/۱۶۰۰	۰/۳۰۰۰	۰/۲۶۰۰	تواضع
۲/۴۱	۱۴/۳۹		-	۰/۲۵۰۰	۰/۴۶۰۰	۰/۴۷۰۰	۰/۶۰۰۰	۰/۲۸۰۰	۰/۲۳۰۰	-۰/۱۳۰۰	-۰/۳۷۰۰	۰/۴۵۰۰	۰/۲۰۰۰	خشم
۲/۶۹	۱۵/۱۴	-	۰/۵۹۰۰	۰/۰۸۰۰	۰/۵۶۰۰	۰/۵۴۰۰	۰/۶۵۰۰	۰/۳۷۰۰	۰/۲۶۰۰	۰/۲۰۰۰	-۰/۱۹۰۰	۰/۳۶۰۰	۰/۲۵۰۰	تقلب

مدل و حذف مسیرهای غیرمعنی‌دار گردید. ضرایب مسیر معنادار و موجود در مدل در جدول ۲، به صورت اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بیان گردیده است.

بررسی فرضیه اول پژوهش مبنی بر ارتباط معنادار ابعاد شخصیت با رفتارهای اخلاقی نشانگر آن است که توافق‌پذیری ($P < ۰/۰۱$ ، $P = ۰/۱۵$)، β ، وظیفه‌گرایی ($P < ۰/۰۱$ ، $\beta = ۰/۲۲$) و برون‌گرایی ($P < ۰/۰۵$)، β به نحو مثبت و روان‌رنجوری به نحو منفی ($P < ۰/۰۱$ ، $\beta = ۰/۱۱$)،

همان گونه که در جدول قابل مشاهده است، گشودگی به تجربه بیشترین ارتباط ($r = ۰/۵۰$) و برون‌گرایی کمترین ارتباط ($r = ۰/۱۱$) را با فراشناخت اخلاقی دارد. همچنین از میان ابعاد شخصیت، وظیفه‌گرایی بیشترین ارتباط را با همه رفتارهای اخلاقی دارد.

در بخش آزمون مدل، برای انجام تحلیل از نرم افزار AMOS، و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده گردید. مدل پیشنهادی در ابتدای تحلیل، برازش مطلوبی نداشت، لذا برای برازش مدل، اقدام به اصلاح

فرانشاخت اخلاقی به رفتار اخلاقی	۰/۲۸**	-	۰/۲۸**
احترام به تفاوت ها به رفتار اخلاقی	۰/۸۶**	-	۰/۸۶**
ملاحظه به رفتار اخلاقی	۰/۶۸**	-	۰/۶۸**
تواضع به رفتار اخلاقی	۰/۷۷**	-	۰/۷۷**
پرخاشگری به رفتار اخلاقی	۰/۶۶**	-	۰/۶۶**
تقلب به رفتار اخلاقی	۰/۷۵**	-	۰/۷۵**

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

برای برآورد و تعیین معناداری مسیرهای غیرمستقیم از دستور بوت استرپ در نرم‌افزار AMOS استفاده گردید. همان گونه که در جدول ۳ نیز گزارش شده است تمامی مسیرهای غیر مستقیم موجود در مدل معنادار می‌باشند و این حاکی از معنی‌داری نقش واسطه‌ای فرانشاخت اخلاقی در رابطه ابعاد شخصیت و رفتارهای اخلاقی است.

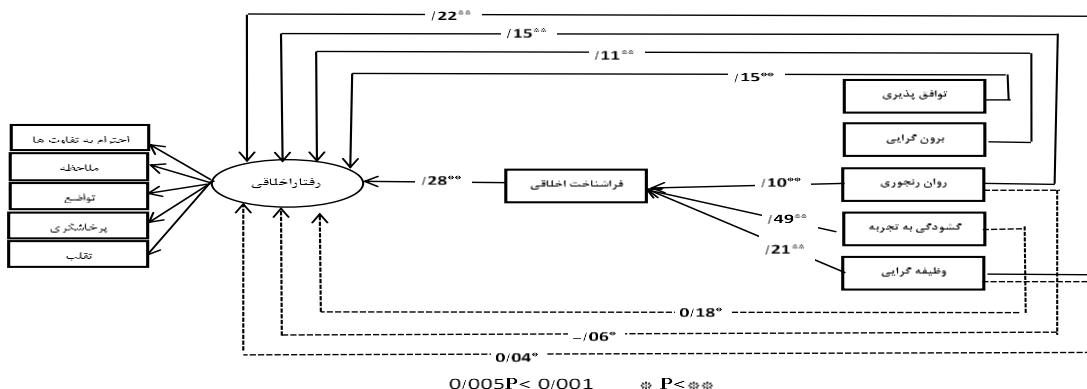
جدول ۳. برآورد مسیرهای غیر مستقیم موجود در مدل با استفاده بوت استرپ

مسیر غیر مستقیم	مقدار	حد پایین	حد بالا	معناداری
گشودگی به رفتار اخلاقی به واسطه فرانشاخت اخلاقی	۰/۱۸	۰/۱۴	۰/۲۳	۰/۰۰۳
روان رنجوری به رفتار اخلاقی به واسطه فرانشاخت اخلاقی	-۰/۰۶	-۰/۰۴	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۲
وظیفه‌گرایی به رفتار اخلاقی به واسطه فرانشاخت اخلاقی	۰/۰۴۴	۰/۰۳	۰/۰۸۳	۰/۰۰۴

مدل آزمون شده نهایی، با استفاده از شاخص‌های برازندگی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. جدول ۴ مقایسه شاخص‌های برازش قبل و بعد از اصلاح مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل قبل و بعد از اصلاح

شاخص	X ² / df	P	GFI	CFI	NFI	TLI	IFI	RMSEA	PCLOSE
قبل از اصلاح مدل	۶/۶۴	۰/۰۰۰	۰/۸۸	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۸۴	۰/۱۱	۰/۰۰۰
بعد از اصلاح مدل	۲/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۰۵	۰/۳۲۷



0/005P<0/001 ** P<0/001

نگاره ۲: مدل آزمون شده نهایی

۱۵/۰=-β، رفتارهای اخلاقی را پیش‌بینی می‌کنند. بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر آنکه ابعاد شخصیت پیش‌بینی کننده فرانشاخت اخلاقی هستند، حاکی از آن است که گشودگی به تجربه (β=۰/۴۹، P<۰/۰۱) و وظیفه‌گرایی (β=۰/۲۱، P<۰/۰۱) به نحو مثبت و روان‌رنجوری به نحو منفی (β=-۰/۱۲، P<۰/۰۵) فرانشاخت اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند. دو بعد برون‌گرایی و توافق‌پذیری ارتباط معناداری با فرانشاخت اخلاقی نداشتند. فرضیه سوم پژوهش با توجه به ارتباط معنادار فرانشاخت اخلاقی با رفتارهای اخلاقی (β=۰/۲۸، P<۰/۰۱) مورد تأیید قرار گرفت. در خصوص فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر آنکه فرانشاخت اخلاقی، نقش واسطه‌ای بین ابعاد شخصیت و رفتارهای اخلاقی دارد، یافته‌ها حاکی از آن است که فرانشاخت اخلاقی در رابطه ویژگی‌های روان‌رنجوری (β=-۰/۰۶، P<۰/۰۰۲)، وظیفه‌گرایی (β=۰/۰۴، P<۰/۰۰۴) و گشودگی به تجربه (β=۰/۱۸، P<۰/۰۰۲) با رفتارهای اخلاقی، نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. نگاره ۲، مدل نهایی آزمون شده پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب استاندارد مسیر مستقیم، غیر مستقیم، اثر کل و واریانس تبیین شده متغیرهای مدل

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
رفتار اخلاقی	-	-	-	۰/۴۷
توافق‌پذیری به رفتار اخلاقی	۰/۱۵**	-	۰/۱۵**	
روان رنجوری به رفتار اخلاقی	-۰/۱۵**	-۰/۰۶*	-۰/۲۱**	
وظیفه‌گرایی به رفتار اخلاقی	۰/۳۳**	۰/۰۴*	۰/۳۶**	
برون‌گرایی به رفتار اخلاقی	۰/۱۱*	-	۰/۱۱**	
فرانشاخت اخلاقی	-	-	-	۰/۱۹
گشودگی به تجربه به رفتار اخلاقی	-	۰/۱۸**	۰/۱۸**	
روان رنجوری به فرانشاخت اخلاقی	-۰/۱۲*	-	-۰/۱۲*	
وظیفه‌گرایی به فرانشاخت اخلاقی	۰/۲۱**	-	۰/۲۱**	

بحث

هدف پژوهش حاضر، آزمون مدل علی رابطه ابعاد شخصیت و رفتارهای اخلاقی از طریق نقش واسطه‌ای فراشناخت اخلاقی بود. متناسب با فرضیه اول پژوهش، همه ابعاد شخصیت به جز گشودگی به تجربه با رفتارهای اخلاقی رابطه معنادار داشتند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهشی دیگر است (۴۰، ۴۱ و ۴۳). صاحب نظران در حوزه شخصیت معتقدند که صفات شخصیت در طول زمان مقاوم به تغییر بوده و قادر است تا رفتارها را در موقعیت‌های گوناگون پیش‌بینی نماید (۲۹). افراد برون‌گرا، فعال، اجتماعی و مبتکر هستند (۲۹). این افراد به دلیل پویا بودن و نیز دوستیابی‌های پی‌در پی، می‌توانند به انجام رفتارهای اخلاقی از جمله رفتارهای کمکی، تلاش برای کمک به دیگران، رفتارهای خیرخواهانه و حتی به مخاطره انداختن خود برای دیگران اهتمام ورزند (۲۷، ۳۱، ۴۲). افراد توافق‌پذیر، مورد اعتماد، دارای حس همکاری بالا، مهربان، دارای روحیه اخلاقی، مطیع بودن و انعطاف‌پذیر هستند (۲۶، ۲۷، ۳۰). آنها نوع دوست بوده و همدرد هستند و تمایل به کمک به هم‌نوع دارند (۳۳). بنابراین کمک به دیگران، ملاحظه و تواضع، عدم انجام تقلب و پرخاشگری را می‌توان در این افراد پیش‌بینی کرد (۴۴). همچنین، از آنجا که افراد وظیفه‌گرا، افرادی هدفمند، دارای برنامه و منظم هستند و در قبال خود و دیگران احساس مسئولیت می‌کنند، لذا رفتارهای مسئولانه و خیرخواهانه و نیز کمک به دیگران را ترجیح می‌دهند (۲۹). در مقابل، افراد روان‌رنجور به جهت عدم نظم شناختی و اضطراب فراگیر و نیز تجربه ترس و غمگینی و گاه خودخواهی، در موقعیت‌های اخلاقی، نمی‌توانند تصمیمات درستی اتخاذ کنند (۳۲). در واقع، انجام عمل اخلاقی در چالش‌ها و موقعیت‌های سخت، نیازمند، خودکنترلی، آگاهی، استقلال، برعهده‌گرفتن مسئولیت، پیگیری بی‌وقفه اهداف و احساس توانمندی است (۴۸). این ویژگی‌ها در افراد روان‌رنجور کمتر دیده می‌شود. اما در خصوص ویژگی گشودگی به تجربه که در این پژوهش فقط با واسطه فراشناخت اخلاقی با رفتارهای اخلاقی در ارتباط است و خود به صورت مستقیم قادر به پیش‌بینی رفتارهای اخلاقی نیست، باید گفت، درست است که افراد دارای ویژگی گشودگی به تجربه، از تجربه موقعیت‌های جدید استقبال می‌کنند و حتی نسبت به تغییر عقاید منعطف هستند (۳۴). اما این بدان معنا نیست که آنها این امور را بدون شناخت دقیق و باری به هر جهت انجام می‌دهند. این افراد به جهت برخورداری از ویژگی‌هایی مانند تخیل قوی، عقلانیت، کنجکاوی، تمایل به افکار نو و جدید و پیچیدگی فکر و شناخت سطح بالا، از طریق نظارت بر موقعیت و دریافت دقیق اطلاعات و پردازش سرشار از توجه تلاش می‌کنند در موقعیت‌های اخلاقی، دست به تصمیم‌گیری بزنند و رفتار اخلاقی را انتخاب کنند (۲۹، ۳۴، ۳۵، ۴۹). لذا منطقی است اگر این بعد از شخصیت صرفاً با واسطه فراشناخت اخلاقی با رفتارهای اخلاقی ارتباط داشته باشد.

بر اساس فرضیه دوم پژوهش، از میان ابعاد شخصیت، وظیفه‌گرایی، گشودگی به تجربه و روان‌رنجوری پیش‌بینی‌کننده معنادار فراشناخت اخلاقی بودند. این یافته همسو با یافته‌های پژوهشی سایر پژوهشگران است (۳۸، ۲۱، ۲۲، ۳۷، ۳۹، ۲۳). از آنجا که افراد وظیفه‌گرا، وظیفه‌شناس و برخورداری از شایستگی، نظم، تلاش برای موفقیت و تعهد نسبت به خود و دیگران هستند، می‌توانند از هسته کنترل اخلاقی که یکی از فرایندهای فراشناخت اخلاقی است، برخوردار باشند. هسته کنترل اخلاقی نوعی تعهد اخلاقی و نیز احساس مسئولیت در قبال خود و دیگران است (۸ و ۲۹). دومین بعد شخصیت که پیش‌بینی‌کننده فراشناخت اخلاقی است، گشودگی به تجربه است. افرادی که دارای ویژگی گشودگی به تجربه هستند، از تخیلات غنی، متنوع و جدید لذت می‌برند. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های متفاوت هستند و انعطاف‌پذیری بالایی دارند (۳۴). از بحث‌های فلسفی و محرک‌های ذهنی لذت می‌برند و به راحتی قادر به دیدگاه‌گیری هستند (۳۳، ۴۹). در راستای این ویژگی‌ها، یکی از فرایندهای فراشناخت اخلاقی نیز خودتأملی اخلاقی است. این فرایند شبیه پندار یا تخیل اخلاقی است. خودتأملی اخلاقی، کنترل‌کننده هیجانات و سوگیری‌ها و تعصبات است و با توجه به ویژگی مهم آن که نظارت بر خود است، می‌تواند شناخت بهتر موقعیت اخلاقی را برای فرد فراهم آورد (۸). بنابراین با توجه به همسویی این ویژگی‌ها، گشودگی به تجربه می‌تواند با قدرت بیشتری فراشناخت اخلاقی را پیش‌بینی نماید. آخرین بعد از ابعاد شخصیت که به صورت منفی و معناداری فراشناخت اخلاقی را پیش‌بینی نموده است، روان‌رنجوری است. افراد روان‌رنجور، احساسات منفی همچون ترس، غم، برانگیختگی، خشم، کینه‌ورزی و گاه خودخواهی دارند (۳۲). این افراد دارای تفکر غیر منطقی هستند و قدرت کمتری در کنترل تکانه دارند (۲۹). چنین افرادی فراشناخت اخلاقی ضعیفی خواهند داشت چرا که فراشناخت اخلاقی نیازمند خودهدایتی اخلاقی است. این فرایند ظرفیتی است که یک قدم به عقب برمی‌گردد و بر فرایندهای خود شخص (شهود و استدلال) و رخداد اقدامات، نظارت می‌کند (۱۴). اما به نظر می‌رسد، به جهت تفکر غیر منطقی و عدم نظم اندیشه و نیز کنش‌وری و اضطرابی که در افراد روان‌رنجور دیده می‌شود، فراشناخت اخلاقی نیز در آنها قدرت نمود و اثرگذاری ندارد. در میان ابعاد شخصیت، برون‌گرایی و توافق‌پذیری، ارتباط معناداری با فراشناخت اخلاقی نداشتند. برخی از پژوهش‌های پیشین نیز، ارتباط ضعیفی بین برون‌گرایی و فراشناخت و توافق‌پذیری و فراشناخت، نشان دادند (۳۷ و ۳۸). در تبیین این یافته باید گفت، افراد برون‌گرا، وقت بیشتری را صرف فعالیت‌های اجتماعی و بودن در جمع و توجه طلبی و ارتباطات گسترده اما عمق و سطحی با دیگران، می‌کنند (۲۹، ۲۷، ۲۶). در همین راستا پژوهشگران معتقدند، برون‌گراها در مقایسه با درون‌گراها در مواجهه با محرک‌های مثبت و منفی، کمتر از راهبردهای فراشناختی استفاده می‌کنند (۵۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به جهت آنکه، مولفه هیجان در این افراد بیشتر از شناخت است، برون‌گرایی با فراشناخت

شایسته، هدایت، نظارت و اصلاح کند، و نیز با توجه به شکل‌گیری فراشناخت در سال‌های قبل از ورود به دانشگاه و نیز قابل آموزش بودن آن، لذا پیشنهاد می‌گردد که اول، آموزش و پرورش تدابیری را جهت تلفیق این مفهوم در برنامه‌های درسی، اتخاذ نماید. دوم، در دانشگاه‌ها فعالیت‌هایی تدارک دیده شود تا بتواند با ایجاد چالش در شناخت افراد، آنها را به لزوم دارا بودن فراشناخت و نیز بهره‌گیری از راهبردهای فراشناختی در تصمیمات اخلاقی، ترغیب نماید و سوم، آموزش فراشناخت علاوه بر مدرسه و دانشگاه، می‌تواند در خانواده (از طریق فرزندپروری)، و جامعه (از طریق رسانه‌ها و ارتباطات) نیز صورت پذیرد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، محدود بودن آزمودنی‌ها به دانشجویان مقطع کارشناسی است، از این رو در تعمیم نتایج به گروه‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان، از طریق آموزش و تاکید بر فراشناخت اخلاقی، ظهور و بروز رفتارهای اخلاقی را بیشتر نمود و متعاقب آن، ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی کم گردد. چرا که، افرادی که برخوردار از فراشناخت اخلاقی هستند، می‌توانند موقعیت‌های اخلاقی را به خوبی پردازش کنند، در مورد آن تفکر نمایند، پیامدهای آن را مد نظر قرار دهند و رفتار اخلاقی را انتخاب نمایند.

ملاحظه‌های اخلاقی

پژوهشگر اطمینان می‌دهد که در تمامی مراحل انجام پژوهش و گزارش آن، اصول اخلاقی پژوهش از قبیل رعایت حقوق کامل شرکت‌کنندگان، صداقت و امانت‌داری علمی، حقیقت‌جویی و ... به طور کامل رعایت شده است.

واژه نامه

1. Self-directedness	خودرهبری
2. Sense of continuity	احساس تداوم
3. Ethical dilemmas	معضلات اخلاقی
4. Moral Metacognition	فراشناخت اخلاقی
5. Person	شخص
6. Task	تکلیف
7. Strategy	راهبرد
8. Metacognitive knowledge	دانش فراشناختی
9. Declarative knowledge	دانش بیانی
10. Procedural knowledge	دانش رویه‌ای
11. Conditional knowledge	دانش شرطی
12. Metacognitive regulation	تنظیم فراشناختی
13. Moral locus of control	هسته کنترل اخلاقی
14. Moral self-monitoring	خودهدایتی اخلاقی
15. Moral self-reflection	خودتأملی اخلاقی
16. Moral agency	عاملیت اخلاقی

اخلاقی رابطه معناداری نشان نمی‌دهد. افراد توافق‌پذیر نیز، دلسوز، نوع‌دوست و همدل هستند (۳۳). اما همین ویژگی‌ها باعث می‌شود تا مطیع و فرمانبردار بوده و تمایل زیادی به دوست‌داشته‌شدن و موردتأیید قرارگرفتن داشته باشند، این افراد گاه، در دام وابستگی به دیگران می‌افتند و ممکن است مورد سوء استفاده نیز قرار گیرند (۳۰، ۲۶). این ویژگی‌ها منجر به تعهد به هنجارهای دیگران می‌شود (۲۶). گاهی ممکن است این دنباله‌روی و همراهی بدون شناخت و صرفاً از روی هیجان و یا کسب تأیید دیگران باشد که نتیجه این وضعیت، ممکن است عدم پردازش دقیق و بی‌توجهی به عواقب امور و نیز بی‌اطلاعی از راهبردهای شناختی باشد. بنابراین عدم رابطه معنادار با فراشناخت اخلاقی، در چنین افرادی، دور از انتظار نیست.

یافته دیگر این پژوهش ارتباط مثبت و معنادار فراشناخت اخلاقی با رفتار اخلاقی است. این یافته همسو با یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیشین است (۱۱، ۱۸، ۱۹). بر اساس عاملیت اخلاقی، افرادی که در هر موقعیت اخلاقی، واکنش خود و دیگران را پیش‌بینی می‌کنند و درباره جهت‌ها، پیامدها و معنای برنامه‌ها و اعمال فکر می‌کنند و نیز روش‌های گوناگون عمل را در نظر می‌گیرند و ارزش هر روش را مورد سنجش قرار می‌دهند، به احتمال بیشتری رفتارهای اخلاقی را انجام می‌دهند. این افراد سعی دارند بین آنچه می‌اندیشند و آنچه باید عمل کنند، ارتباط ایجاد کنند، بدین صورت که عملی را انجام می‌دهند که برایشان رضایت خاطر و ارزشمندی فراهم آورد و از اعمالی اجتناب می‌کنند که نارضایتی و تحقیر و سرزنش و آسیب به دیگری را در پی داشته باشد، بنابراین مجهز شدن به چنین ویژگی‌هایی (که از شاخصه‌های فراشناخت است)، انجام رفتارهای اخلاقی را در پی خواهد داشت (۱).

اما در خصوص نقش واسطه‌ای فراشناخت اخلاقی در رابطه بین ابعاد پنج‌گانه شخصیت و رفتارهای اخلاقی، یافته‌ها نشان داد که فراشناخت اخلاقی دارای نقش واسطه‌ای در رابطه سه بعد وظیفه‌گرایی، گشودگی به تجربه و روان‌رنجوری با رفتار اخلاقی است. همانگونه که در پیش گفته شد افراد وظیفه‌گرا دارای هسته کنترل اخلاقی هستند که نوعی تعهد اخلاقی و نیز احساس مسئولیت در افراد ایجاد می‌کند (۲۹ و ۸). همچنین، افرادی که دارای ویژگی گشودگی به تجربه هستند، می‌توانند به لحاظ فراشناختی، خودتأملی اخلاقی داشته باشند (۳۴-۳۳). خود تأملی اخلاقی نیز به عنوان یک فرایند فراشناختی، به آنان کمک می‌کند تا با دیدی انتقادی و بدون سوگیری بر خود نظارت داشته باشند (۸ و ۳۵). در مقابل، افراد روان‌رنجور نمی‌توانند به لحاظ فراشناختی، خودهدایتی اخلاقی داشته باشند، به این معنا که بر روند تفکر خود نظارت داشته و تحقق یا عدم تحقق اهداف اخلاقی را رصد کنند. احتمالاً، این امر منجر به ناتوانی در انجام رفتارهای اخلاقی و عدم انتخاب رفتارهای اخلاقی از سوی فرد روان‌رنجور خواهد شد.

از آنجایی که با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، فراشناخت اخلاقی یکی از عوامل اثرگذار بر رفتار اخلاقی است، همچنین به جهت آنکه فراشناخت می‌تواند، فرد را به خودکنترلی و خودآموزی مجهز کند به نحوی که بتواند فرایندهای شناختی را در جهت انتخاب‌های اخلاقی

11. Swanson HL, Hill G. (1993). Metacognitive aspects of moral reasoning and behavior. *Adolescence*; 28(111): 711-35.
12. Flavell JH. (1979). Metacognition and cognitive monitoring: A new area of cognitive-developmental inquiry. *American Psychologist*; 34(10): 906-11.
13. Brown AL. (1987). Metacognition, executive control, self-regulation and other more mysterious mechanisms. In: Weinert F, Kluwe R. (Eds.). *Classroom management* Hillsdale. NJ: Erlbaum. Pp. 144-181.
14. Monteith MJ, Ashburn-Nardo L, Voils CI, Czopp AM. (2002). Putting the brakes on prejudice: On the development and operation of cues for control. *Journal of Personality and Social Psychology*; 83:1029-1050.
15. Rai TS, Holyoak KJ. (2013). Exposure to moral relativism compromises moral behavior. *Journal of Experimental Social Psychology*; 49(6): 995-1001.
16. Spinrad TL, Eisenberg N, Gaertner B, Popp T, Smith CL, Kupfer A, et al. (2007). Relations of maternal socialization and toddlers' effortful control to children's adjustment and social competence. *Developmental Psychology*; 43: 1170- 1186.
17. Kahneman D. (2003). A perspective on judgment and choice: Mapping bounded rationality. *American Psychologist*; 58(9): 697.
18. Talibzadeh Sani H, Kadivar P. (2008). The study of the relationship between the knowledge of meta-cognition (meta-ethics) and reasoning and ethical behavior. *Quarterly Journal of Education*; 93: 32-37. (In Persian).
19. Reder LM, Schunn CD. (1996). Metacognition does not apply: Strategy choice is governed by implicit learning and memory. In: Reder LM. (Ed.). *Implicit memory and metacognition*. Hillsdale, NJ: Erlbaum. Pp. 45-78.
20. Xu Z. (2014). Integrating moral identity and moral judgment to explain everyday moral behavior: a dual-process model. [Ph.D.Thesis]. Hong Kong: Baptist University.
21. Fayyaz WK. (2011). Personality traits and the metacognitive listening skills of English as a foreign language in Pakistan. *Journal of Behavioural Sciences*; 21(2):13-20.
22. Ghaemi F, Sabokrouh F. (2014). The relationship between personality traits and metacognitive listening strategies among Iranian EFL Learners. *ELT Voices*; 5(2): 11-25.
23. Öz H. (2016). The importance of personality traits in students perceptions of metacognitive awareness. *Social and Behavioral Sciences*; 232: 655-667.
24. McCrae RR, Costa PT. (1999). A five-factor theory of personality. In *Handbook of personality: Theory and research* (2nd ed.). Pervin, LA, John OP. (eds). New York: Guilford Press. Pp.139-53.

17. Intentionality
18. Forethought
19. Self-reactiveness
20. Extraversion
21. Agreeable
22. Neuroticism
23. Open to experience
24. Conscientiousness
25. Big Five Personality Inventory
26. Moral Metacognition Scale

عمدی بودن
پیش اندیشی
خودواکنشی
برون گرایی
توافق پذیری
روان رنجوری
گشودگی به تجربه
وظیفه گرایی
مقیاس پنج عامل شخصیت
مقیاس فراشناخت اخلاقی

References

1. Bandura A. (1991). Social cognitive theory of moral thought and action. In: Kurtines WM, Gewirtz JL. (Eds.). *Handbook of moral behavior and development*. Hillsdale. NJ: Erlbaum. Pp. 45-103.
2. McMahon JM, Good DJ. (2015). The moral metacognition Scale: Development and validation. *Ethics & Behavior*; 26 (5):357-394.
3. Hannah ST, Avolio BJ, May DR. (2011). Moral maturation and moral conation: A capacity approach to explaining moral thought and Action. *Academy of Management Review*; 36 (4): 663-685.
4. Thiel CE, Bagdasarov Z, Harkrider L, Johnson JF, Mumford MD. (2012). Leader ethical decision-making in organizations: Strategies for sensemaking. *Journal of Business Ethics*; 107: 49-64.
5. Sadler-Smith E. (2012). Before virtue: Biology, brain, behavior, and the "moral sense". *Business Ethics Quarterly*; 22:351-376.
6. Veenman MVJ, Wilhelm P, Beishuizen JJ. (2004). The relation between intellectual and metacognitive skills from a developmental perspective. *Learning and Instruction*; 14: 89-109.
7. Ricco RB, Overton WF. (2011). Dual systems competence procedural processing: A relational developmental systems approach to reasoning. *Developmental Review*; 31: 119-150.
8. Narvaez D. (2010). Moral complexity: The fatal attraction of truthiness and the importance of mature moral functioning. *Perspectives on Psychological Science*; 5(2): 163-181.
9. Kohlberg L. (1969). Stage and sequence: The cognitive-developmental approach to socialization. In: Goslin D. (Ed.). *Moral development and behavior*. New York: Holt Rinehart & Winston. Pp. 45-103.
10. Street MD, Douglas SC, Geiger SW, Martinko MJ. (2001). The impact of cognitive expenditure on the ethical decision-making process: The cognitive elaboration model. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*; 86: 256-277.



38. Bidjerano T, Dai DY. (2007). The relationship between the big-five model of personality and self-regulated learning strategies. *Learning and Individual Differences*; 17(1): 69-81.
39. Chiaburu DS, Cho I, Gardner R. (2015). Authenticity matters more than intelligence and personality in predicting metacognition. *Industrial and Commercial Training*; 47(7): 363-371.
40. Matsuba MK, Walker LJ. (2005). Young adult moral exemplars: The making of self through stories. *Journal of Research on Adolescence*; 15: 275-297.
41. Kalshoven K, Den HD, De HA. (2011). Ethical leader behavior and Big five factors of personality. *Journal of Business Ethics*; 100(2): 349-366.
42. Brown S, Taylor K. (2015). Charitable behavior and the big five personality traits: Evidence from UK panel data. *Sheffield Economic Research Paper Series*; 9318: 1-52.
43. Habashi MM, Graziano WG, Hoover AE. (2016). Searching for the prosocial personality: A Big five approach to linking personality and prosocial behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*; 42(9): 1177-1192.
44. Bommer M, Gratto C, Gravander J, Tuttle M. (1987). A behavioral model of ethical and unethical decision making. *Journal of Business Ethics*; 6(4): 265-280.
45. Kline RB. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford Press.
46. Khormai F, Faramani A. (2014). Investigating the psychometric indexes of the short form of the personality five factors questionnaire. *Psychological Methods and Models*; 4 (16): 29-39. (In Persian).
47. Sabet M, Delaware A, Pasha-Sharifi H, Khoshnevisan Z. (2015). Build and rigor the ethical behavior scale. *Journal of Educational Psychology*; 23: 37-27. (In Persian).
48. Walker LJ, Frimer JA. (2007). Moral personality of brave and caring exemplars. *Journal of Personality and Social Psychology*; 93: 845-860.
49. Gurtman MB. (1995). Personality structure and interpersonal problems: A theoretically-guided item analysis of the inventory of interpersonal problems. *Assessment*; 2: 343-361.
50. Derryberry D, Reed MA. (1994). Temperament and attention: Orienting toward and away from positive and negative signals. *Journal of Personality and Social Psychology*; 66(6): 1128-1139.
25. Costa PT, McCrae RR. (2006). Age changes in personality and their origins: Comment on Roberts, Walton, and Viechtbauer. *Psychological Bulletin*; 132(1): 26-28.
26. Monzani L, Ripoll P, Peiró JM. (2014). Followers' agreeableness and extraversion and their loyalty towards authentic leadership. *Psicothema*; 26(1): 69-75.
27. Bauer TN, Erdogan B, Liden RC, Wayne SJ. (2006). A longitudinal study of the moderating role of extraversion: Leader-member exchange, performance, and turnover during new executive development. *Journal of Applied Psychology*; 91: 298-310.
28. Sadeghi MB, Mahmodikia M, Arshadi N. (2015). Analyzing relationship between personality and organizational variables and authentic leadership: mediating leader-member exchange. *Ethics in Science and Technology*; 10 (1): 74-88. (In Persian).
29. McCrae RR, Costa PT. (2008). Empirical and theoretical status of the five-factor model of personality traits. In: Boyle GJ, Matthews G, Saklofske DH. (Eds.) *The SAGE handbook of personality theory and assessment*. Los Angeles: CA: SAGE Publications. Pp. 273-294.
30. McCrae R. (2010). The place of the FFM in personality psychology. *Psychological Inquiry*; 21(1): 57-64.
31. McAdams DP, Olson BD. (2010). Personality development: Continuity and change over the life course. *Annual Review of Psychology*; 61: 517-542.
32. Kandler C. (2012). Nature and nurture in personality development: The case of neuroticism and extraversion. *Current Directions in Psychological Science*; 21(5): 290-296.
33. McCrae RR, Costa PT. (1987). Validation of the five-factor model of personality across instruments and observers. *Journal of Personality and Social Psychology*; 52: 81-90.
34. McCrae RR, Sutin AR. (2009). Openness to experience. In: Leary MR, Hoyle RH. (Eds.). *Handbook of individual differences in social behavior*. New York: Guilford. Pp. 257-273.
35. Borkenau P, Mauer N, Riemann R, Spinath FM, Angleitner A. (2004). Thin slices of behavior as cues of personality and intelligence. *Journal of Personality and Social Psychology*; 86: 599-614.
36. Behzadi E, Naiami AZ, Bashlida K. (2015). Relationship between "conscientiousness, ethical climate and ethical leadership" and organizational virtuousness. *Ethics in Science and Technology*; 10(1): 63-73. (In Persian).
37. Nikoopour J, Hajian M. (2015). An exploration on the relationship among learners' autonomy, language learning strategies and Big-five personality traits. *IOSR Journal of Humanities and Social Science*; 20(2): 66-71.